



مجلس تقلید
تخت و خنجر

داود فتحعلی بیگی



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

اشخاص بازی

زن روستایی

دختر

چاخان الملک

فراش مچول

ندار السلطنه

معین الهراس

جلاد

شهر فرنگی

پیرزن

پیر مرد

مردم

مقدمه

نخستین نمایشنامه سیاه‌بازی که نوشتیم «تخت و خنجر» بود به سال ۱۳۶۳، زمانی که سخت تحت تأثیر مطالعه فرمان امام علی (ع) به مالک اشتر بودم. لیکن برخلاف تصور، به دلیل تحلیل غلط و مغرضانه مسئول وقت شورای نظارت، به آن اجازه اجرا داده نشد تا اینکه در سال ۱۳۸۰ پس از بازنویسی، به مدت شصت شب در تماشاخانه سنگلج به اجرا درآمد بی آنکه کلمه‌ای از آن حذف شود.

امام علی (ع) در فرمان خود به مالک اشتر، پس از سفارش به پیروی از آنچه خداوند در کتابش امر فرموده است، می‌نویسد «... و فرمان می‌دهد که نفس و هوس خویش را در برابر شهوت‌ها درهم شکنند و آن را از سرکشی باز دارد، زیرا نفس، انسان را به بدکاری

صحنهٔ یکم

[سکو. ۱]

۱

[ساز و دهل به صدا درمی‌آیند. مردم جمع می‌شوند. تلخک و قندک نیز به آن‌ها می‌پیوندند.]

جارچی [جار می‌زند] ایهاالناس، این طبل خبردار، بود مژدهٔ دربار، به هر مرد درستکار، هنردار، جگردار، چه پولدار، چه بیکار، که ای قوم بیایید، تجمع بنمایید، به

۱. چنانچه نمایش یک‌طرفه اجرا شود، برحسب سنت، نصب دورنمایی از شهر در انتهای صحنه خالی از فایده نیست.

پرواز همای شرف و عز و سعادت به تماشا بنشینید و ببینید. چگونه خورد او چرخ و بیاید، بنشیند به سر مرد جوان بخت خوش اقبال، که قسمت شده او را بنشانند به روی تخت حکومت، به یک سال.

تلخک چه جالب، یه موقعی به این شهر رسیدیم که مراسم انتخاب حاکم داره برگزار می‌شه.

قندک مراسم انتخاب حاکم دیگه چیه؟

تلخک بابا، توی این ولایت رسمه، هر سال یک روز معینی کفتر می‌پروند. این کفتر بخت و اقبال رو سر هر کی بشینه، به مدت یک سال حاکم می‌شه و اختیار حکومت تو دست اونه.

قندک غریبه و خودی فرقی نمی‌کنه؟ پارتی بازی‌ای؟ پسر خاله دختر خاله‌ای؟ دسته و گروهی؟

تلخک ظاهراً که فرقی نمی‌کنه.

قندک پس بیا بریم قاطی جمعیت بشیم. خدا را چه دیده‌ای، شاید رو سر یکی از ما بشینه.

تلخک ای خدای مهربون، یعنی می‌شه چند صباحی هم سکان کشتی حکومت تو دست ما بیفته.

قندک آگه بیفته...

تلخک آگه بیفته! کاری می‌کنم که گرگ و میش از یه چشمه آب بخورن. خواب رو به چشم زورگوها و چپاولگرها حروم می‌کنم. هیچ گرسنه‌ای رو بی‌نون و هیچ مریضی رو بی‌دوا نمی‌گذارم.

قندک خدا از زبونت بشنفته.